

قالی بافی در روستای ابوزید آباد کاشان

ابوالقاسم طاهری

وسیع‌تری جای گرفتند، نیاز به قالیهایی بزرگتر بوجود آمد. قالیچه که نسبت به قالی قابلیت نقل و انتقال بیشتری دارد، در روستاها و مناطق ایل‌نشین بیشتر تولید و مورد استعمال دارد، در حالیکه قالی در شهرها و تا اندازه‌ای در روستاهای بزرگ و نزدیک به مراکز بافندگی شهری بافته میشود و موارد استعمالش خصوصاً در شهرها بیشتر است.

سابقه قالی بافی در ایران به حدود سه هزار سال پیش مربوط میشود ولی بعداً ضمن حمله وایلفار مغول و همراه با تشتت و توقف بسیاری از فعالیتهای حرفه‌ای و هنری در ایران، قالی بافی نیز دچار وقفه شد. کمی بعد از فروکش کردن این ابلاغ آرامشی در گرفت و رونق انواع حرفه‌ها و هنرها از جمله قالی بافی از سر گرفته شد و هنرهای تزئینی ایران در راه تحولی تازه گام نهاد و به تدریج روبه کمال رفت تا جایی که در زمان شاه‌نهماسب قالی ایران در زیبایی، نقش و ظرافت بافت به حد کمال رسید و از همان هنگام، به عنوان تحفه‌ای بسیار نفیس سهمی در روابط ایران با کشورهای دیگر برعهده گرات، با این همه، در زمان شاه عباس بزرگ بود که گذشته از جنبه‌های مدنی و تجملی قالی، امکانات بازرگانی آن به بهترین وجهی شناخته شد و صورت تولید کالائی به خود گرفت، بی آنکه از نفاست آن بهیچ رو کاسته گردد. ولی چندی بعد که شورش افغان در گرفت و شهبازه اقتصاد ایران از هم گسیخت، به صنعت قالی ضرباتی وارد آمد تا آنکه در آغاز پادشاهی ناصرالدین شاه بازرگانان تبریزی در استانبول که شهر مورد مراجعه بازرگانان اروپائی بود بازار آماده‌ای برای قالی بافندگی

خریداران فرسها، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و تا اندازه‌ای هم آمریکائی بودند که رنگ آمیزی گرم و نقش دلپذیر قالی ایران را برای تکمیل آرایش تالارهای خود می‌پسندیدند، همچنین و تجمل‌پسندی نیز بر گرمی بازار فروش می‌افزود،

«ابوزیدآباد» دهکده‌ای است در ۳۶ کیلومتری شمال شرقی شهر کاشان و در حاشیه کویر.

این روستا ۲۸۱۳ نفر جمعیت دارد که شامل ۹۶ خانوار است. کار و معیشت عمده ابوزیدآبادی‌ها تا ۱۵-۲۰ سال پیش مبنی بر کشاورزی و دامداری بود. در آنوقت قالی بافی مشغله‌ئی بود فرعی و در شئون عمومی ده اهمیت چندانی نداشت. ولی طی سالهای اخیر به دلایلی که در مقاله حاضر توضیح داده خواهد شد، میزان تولید قالی نسبت به گذشته چند برابر شده است، بنحوی که اینک قالی بافی پر درآمدترین و مهمترین فعالیت تولیدی ده بشمار میرود و کشاورزی و دامداری در مقایسه با آن دارای اهمیتی فرعی است.

با تغییر مبانی کار و معیشت در این جامعه روستائی، بسیاری شئون دیگر و از جمله آنها امور سنتی و روابط درونی خانواده‌ها نیز تغییر کرده‌اند. به این لحاظ بررسی این پدیده اجتماعی بمثابة حلقه مرکزی تحقیقات مردم‌شناسی که در ده بعمل آمده است بصورت مقاله مستقل حاضر تدوین میشود.

دقالی بافی در گذشته و علت توسعه آن در سالهای اخیر»

منشأ قالی بافی را از مناطق آسیای مرکزی و ایران و ترکیه و عمدتاً از قبایل چادرنشین دانسته‌اند و قالی در ابتدا صرفاً برای رفع نیازمندی و بمثابة زیرانداز و نظیر پوست حیوانات خصوصاً پوست گوسفند مورد استعمال داشته است. قالی بافی تدریجاً بعد از آموختن پشم‌ریسی و مهارت‌های فنی لازم تکمیل شد و با رنگ آمیزی‌ها و نقش‌ونگار دل‌انگیز خود جایگزین پوست بوست شد. بافتن قالیچه‌ها طی نسلها در میان چادرنشینان روبه گسترش و تکامل رفت. هنگامیکه اجتماعات انسانی در ده و سپس در شهر مستقر گشتند و در خانه‌های

تامیازی که قالی موجود در بازار جوابگوی تقاضای خریداران نبود. برای اینکه چنین بازاری از دست نرود، بازرگانان تبریزی بر آن شدند که در قسمتهای مختلف ایران دستگاههای قالی بافی دایر کنند و باین علت احیای صنعت قالی ایران به اوج خود رسید و روبه توسعه رفت و هم از نظر طرح و نقش و هم از لحاظ مهارت در بافت بهبود اساسی یافت و برای مراکز عمده قالی بافی وضع و موقعیت جدیدی پیدا شد. از جمله در کاشان و روستاهای آن نیز قالی بافی گسترش پیدا کرد چنانکه در ابوزیدآباد قالی بافی به مثابه بهترین فن و هنر زمان تمجید و تحسین میشد.

تا چندی پیش قالی بافی در ابوزیدآباد عمدتاً جنبه هنری داشت و به نهایت ظریف کاری میشد. چنانکه یک خانم خانه دار برای بافتن یک قالیچه 2×2 متر ۶ سال زحمت میکشید و لطافت رنگ و دقت در نقشه و ظرافت رج را رعایت میکرد. ولی حالا به قصد تولید هر چه بیشتر و درآمد زیادتر از جنبه های ارزشمند هنری قالی تدریجاً کاسته شده است. چون قالی مورد فروش در بازار تا چندی پیش اختصاص به ثروتمندان داشت، ظرافت و لطافت قالی مسورد تقاضا بود. ولی به تدریج طی سالهای اخیر مردم شهری که استطاعت خرید قالی های گران قیمت را ندارند به استعمال قالی ارزان روی آورده اند و در نتیجه عمدتاً قالی ها با سطح نازل هنری بافته و عرضه میشود.

این وضع جدید باعث شده است که میزان تولید قالی زیادتر بشود و از جمله در ابوزیدآباد که قالی بافی سابقاً فرع بر تولید کشاورزی بود، اینک مهمترین فعالیت تولیدی ده میباشد و کشاورزی فرع بر قالی بافی است. ولی این قالی بافی از نظر ظرافت و لطافت نسبت به گذشته کاملاً در تنزل است. مثلاً در گذشته برای یک گره از قالی ۴۰ رج بافته میشد، در حالیکه امروزه فقط ۳۵ رج و گاهی جمعاً ۳۰ رج در گره بافته میشود. زیرا قالی بافان که اکثراً کم سرمایه اند ناچارند زودتر قالی تحت بافت را - برای امرار معاش - به بازار عرضه کنند از طرف دیگر بموازات تقاضای بیشتر قالی در بازار که بیابا بردن حجم تولید قالی در ابوزیدآباد کمک کرده است، سطح فعالیت های تولیدی در زمینه کشاورزی و دامداری تنزل پیدا کرد. کم شدن آب قنات ده باعث حفر چاههای عمیق در حوالی کاشان که به باین رفتن مخازن زیر زمینی آب و خشک شدن «مادرچاه» ها انجامیده است، عامل دیگری در تغلیل فعالیت های زراعی است. بعلاوه، سطح درآمد ناشی از فعالیت در قالی بافی نسبت به سطح درآمد ناشی از فعالیت در کشاورزی بیشتر است و در مجموع با توجه به همه این دلایل است که بسیاری از خانواده ها از فعالیت های تولیدی در زمینه زراعی دست کشیده و

بکارخانه های نساجی کاشان و کارگاه های قالی بافی در ده هجوم برده اند.

برای بیشتر روشن شدن علل و توضیح چگونگی توسعه و رواج قالی بافی در روستای ابوزیدآباد بهتر است کمی به گذشته برگردیم:

سرمایه گذاری در امر قالی بافی در دهکده ابوزیدآباد تا ۱۵-۲۰ سال پیش که هنوز تولید قالی از نظر حجم در سطح نازلی بود، منحصرأ بوسیله تجار قالی در کاشان انجام میگرفت. این تجار مواد اولیه قالی نظیر پشم و کرک و نخ را در اختیار خانواده های قالی باف قرار میدادند و حاصل کارشان را به قیمت نازلی میخریدند و البته از این راه سالیانه پول کلانی بدست میآوردند.

بدین لحاظ تجار قالی طالب این بودند که هر چه زودتر قالی های تحت بافت در دستگاهها بافته و به بازار عرضه شود و چنانکه قبلاً توضیح داده شد، این وضع باعث شد که چندان توجهی مثل گذشته در بافت و ظرافت قالی بعمل نیاید و روز بروز از جنبه هنری آن کاسته شود.

در اثر رونق بازار قالی و استفاده سرشاری که از این راه نصیب سرمایه گذاران قالی بافی (تجار قالی کاشان) میشد توجه مالکان ده به اهمیت و بهره برداری از قالی بافی جلب شد.

هشت تا ده نفر از مالکان ابوزیدآباد که نفوذ زیادی در این ده داشتند، توانستند با کنار زدن تجار قالی کاشان از میدان بزودی قالی بافی را از انحصار آنان خارج و تحت تسلط خود درآورند. بعد از این واقعه، مواد اولیه از طرف مالکان ده در اختیار زنان روستائی قرار میگرفت و تمام دستگاههای قالی بافی زیر نظر همین افراد اداره میشد، حتی یک خانواده هم بدون سرمایه گزاری این افراد و بدون اجازه آنان قادر به قالی بافی نبود. چنانکه خانواده ای برای خود بدون اجازه این اربابها به قالی بافی میپرداخت، عوامل آنها شبانه به آن خانواده حمله ور میشدند و قالی نیمه بافته را با چاقو تکه تکه میکردند این اعمال چنان ترس و وحشتی در این ده به وجود آورده بود که تمام خانواده های قالی باف ناچار بودند با سرمایه گذاری این مالکان قالی ببافند و قالی بافته شده را به نزد آنان ببرند و با چشمان بسته پول ناچیزی برای امرار معاش زندگی خود دریافت کنند. مقدار دستمزد یک جفت قالیچه که هر یک بطول و عرض $27/40 \times 17/20$ متر بود و برای بافتن آنها (یک جفت) ۱۰ تا ۱۲ ماه کار یک زن لازم بود از ۳۰ الی ۵۰ تومان تجاوز نمیکرد.

ولی طی سالهای اخیر با پیشرفت های سریع اقتصادی

برخی از مردان نیز شخصاً به قالیبافی اشتغال میورزند. دستگاه با دستگاههای موجود در خانه‌های به اهل همان خانه تعلق دارد و در آنها بوسیله افراد همان خانه قالی بافته میشود. مگر عده قلیلی از زنان و دختران ده که در خانه خود دستگاه قالی‌بافی ندارند و قدرت خرید و تأمین مواد اولیه نیز برای آنان مقدور نیست و بصورت کارگر مزدور در دستگاههای متعلق به دیگران قالی میبافند. در این عده قلیل، کسانی هستند که احیاناً میتوانند دستگاه قالی‌بافی داشته باشند و مواد اولیه آنرا نیز بخرند ولی توانائی آنرا ندارند که طی چند ماهه قالی‌بافی بدون منبع درآمد بسر برند. بهر صورت این عده قلیل ناچارند در خانه‌های دیگر به مزدوری قالی‌بافی کنند.

مواد اولیه قالی‌بافی



مردی در حال قالیبافی در روستای ابوزیدآباد کاشان
Ouvrier en train de tisser un tapis.
(Village de Abuzeydâbâd de Kâshân).

و تولیدکار در قسمتهای مختلف صنعتی که منجر به تقاضای بیشتر نیروهای انسانی در شهرها شد؛ روز بروز عده‌ای زیادتر از مردم ده نشین برای کار و معاش بطرف شهرها سرازیر شدند تا اینکه بتوانند زندگی بهتری برای خود بوجود آورند. این افراد که برای مدت کوناهمی در شهرها مشغول کار شده بودند، با مقدار پولی که پس‌انداز کرده بودند در همکاران محلی خود اثر عمیقی بجای گذاشتند. این اثرات باعث شد که افرادی آگاه‌تر در مقابل مالکان قد علم کنند. مبارزه آنان با مالکان با اجراء اصلاحات ارضی در این ده مصادف شد و به تجزیه و درهم کوبیده شدن قدرت مالکان منجر گشت و برای اهالی ده موقعیتی بدست آمد تا از زیر یسوخ بهره‌کشی آنها خلاص شوند.

تماس مردم ده با شهر و بالا رفتن آگاهی آنان و قوانین اصلاحات ارضی فرصتی بدست داد که مردم ده با مقاومت در برابر مالکان از زیر بار بهره‌برداری‌های آنان شانه خالی کنند و دیگر چشم بسته گوش بفرمان مالکان نباشند و خود حاصل دسترنجشان را بدون واسطه مالکان به خریداران قالی بفروشند در صورتیکه در گذشته ناچار بودند نیروی کارشان را به ثمن بخری بفروشند.

شیوه تولید

امروزه از ۴۹۶ خانوار ابوزیدآبادی، فقط ۴۰ تا ۵۰ خانوار در فعالیت‌های قالیبافی شرکت ندارند و به فعالیت‌های دامداری، کشاورزی و کارهای مختلف میپردازند. بقیه اهالی ده علاوه بر کارهای کشاورزی و دامداری و کارهای دیگر به نحوی در فعالیت‌های قالی‌بافی شرکت دارند. تعداد دستگاههای قالیبافی در چند سال پیش از ۲۰۰ تجاوز نمیکرد، ولی چون درآمد ناشی از قالی‌بافی در مقایسه با کارهای کشاورزی و دامداری بیشتر بود تدریجاً تعداد دستگاههای قالیبافی قریب به هزار دستگاه رسید؛ در بعضی از خانواده‌ها یک دستگاه و در خانواده‌های دیگر چهار تا پنج دستگاه. علت این تفاوت در تعداد دستگاه از خانه‌ای به خانه دیگر به عده افسراد دختر و زن خانواده بستگی کامل دارد، زیرا نیروی انسانی عمده قالیبافی دختران و زنان خانواده‌ها هستند.

از مجموع ۲۸۱۴ نفر جمعیت ده / ۵۹۰ زن و ۷۸۵ دختر ۹۱۱ پسر و ۵۲۸ مرد سرشماری شده‌اند زنان عمدتاً و دختران از سن ۷ سالگی به قالیبافی اشتغال میورزند. عده قلیلی از پسران نیز در مالهای اخیر به قالیبافی جذب شده‌اند. مردان فقط در خرید مواد اولیه و فروش قالی و تنظیم کار زنان و دختران و نظارت عمومی بر آنها فعالیت دارند. اخیراً



خامه‌های داخل يك مغازه در کاشان

Matière premiere pour le tissage des tapis,
dans un magasin de Kâšân.

مقداری آب در دیگی مخلوط میکنند و میجوشانند و در این حال پشم‌ها (خامه) را داخل آن قرار داده بعد از ۲۴ ساعت بیرون می‌آورند و بعد از شستشوی خامه آب تازه در دیگ میریزند و گرم میکنند، بعد از اینکه پشم مدتی در آب گرم ماند روغن آس (جوهر گوگرد) بآن اضافه میکنند و مجدداً خامه را بعد از ۲۴ ساعت بیرون می‌آورند و شستشو میدهند. خامه رنگ شده را ۲۴ ساعت دیگر در آب روان می‌گذارند و بعد خشک میکنند.

سبز کم‌رنگ و پررنگ:

نیم‌من برگ‌مو، یک کیلو ونیم زاغ، ۲ مثقال نیل، ۱۰ مثقال جوهر اسید را با آب مخلوط کرده و در دیگ میجوشانند. هنگام جوش آمدن این محلول خامه‌ها را در آن میریزند و بعد از ۲۴ ساعت از محلول بیرون می‌آورند و شستشو میدهند و پس از قرار دادن در آب روان خشک میکنند، در صورتیکه بخواهند رنگ سبز تندتری حاصل شود باید مقدار برگ‌مو را نسبت به مواد دیگر محلول بیشتر کنند.

رنگ مله‌ای:

نوعی رنگ آجری است که ماده رنگی آن از پوست انار حاصل میشود و برای هر نیم من خامه یک من پوست انار کافی خواهد بود که در دیگ میجوشانند و بعد خامه را شستشو میدهند. چنانچه بخواهند رنگ مله‌ای تندتری حاصل شود نیم‌مثقال «زرد کلوته» (نوعی ماده رنگین است) با آب پاکیزه

مواد اولیه قالی بافی عبارت است از نخ‌های پنبه‌ئی برای تار و نخ‌های پشمی برای پود. با این تفاوت که نخ پودناز کتر از نخ تار است. نخ تارها را باین علت از پنبه بکار می‌برند و نه از پشم زیرا که قابلیت انعطاف پشم مانع از یکنواختی کشش تارها میشود و در نتیجه قالیچه ظرافت لازم را از دست میدهد (البته در بعضی از مناطق ایران تار و پود قالی هر دو از پشم میباشد). بعلاوه، نخ پشمی گران‌تر از نخ پنبه‌ئی است و بهای تمامه شده قالی نیز گران‌تر میشود.

ماده اولیه و عمده قالی نخ‌های کرک و پشم است، که ریشه زنی میشوند و آنها را «خامه» مینامند. خامه‌ها در بسته‌هایی به وزن $4/5$ کیلو گرم دسته میشوند، که در این صورت اصطلاحاً «بوچه» *Boççe* نامیده میشوند.

این مواد عمدتاً از کارخانه کاموادر کاشان و یا از دکانداران کاشان و ابوزید آباد خریداری میشود. مجموع موادی را که بر شمرده‌ایم و در یک جفت قالیچه بکار میرود و اصطلاحاً «خوراک» *Xorâk* - مینامند و وزن «خوراک» در یک جفت قالیچه که هر یک $2/20 \times 1/40$ متر طول و عرض داشته باشد بالغ بر ۲۲ کیلو گرم خواهد شد. یک جفت قالیچه به طول و عرض که ذکر شد $6/16$ متر مربع و معادل $5/68$ زرع مساحت دارد.

رنگرزی به شیوه قدیمی

نخ کرک یا پشم در انواع رنگها بکار برده میشود: سرمه‌ای، گلی، آبی کم‌رنگ، آبی پررنگ، سبز کم‌رنگ، سبز پررنگ، دارچینی، قهوه‌ای سوخته، ساقچه اناری، طلائی، خاکی، کرم، چهره‌ای، مله‌ای، الماسی کم‌رنگ، الماسی پر-رنگ، تیرمه‌ای.

باید دوشیوه رنگرزی را توضیح داد، یکی شیوه قدیمی و مبتنی بر مواد رنگی که عمدتاً گیاهی است و دیگری شیوه رنگرزی جدید و مبتنی بر مواد شیمیائی که سهل‌تر و ارزان‌تر از شیوه قدیمی است. در رنگرزی به شیوه قدیمی از برگ‌مو، روغن آس *As*، ریشه گیاههای کوهستانی، پوست انار، زرد کلوته *Kluqe*، نی، آب لیمو، قره قروت، پوست بسته کوهی که اصطلاحاً «بزغنچ» *bozgenç* نامیده میشود. تخم درخت کوهی جنگلی بنام «انگوجه» *Anguje* و زاغ سفید استفاده میشود. بعلاوه برای تثبیت رنگ بعد از رنگ کردن پشم، آنرا در ماست نیز می‌خواه‌باندند. توضیح رنگرزی انواع رنگها بشرح زیر است:

گلی:

برای تهیه رنگ گلی، زاغ سفید و قره قروت را با

مخلوط کرده و خامه رنگ شده را داخل آن قرار میدهند و آن را بعد از ۱۰ تا ۳۰ دقیقه بیرون میآورند.

رنگ قهوه‌ای مایل بسرخ دارچینی یا خرمالی :

برای هر یک من خامه، نیم من پوست انار را با چهار مثقال نیل در آب مخلوط کرده و در دیگ بمدت ۱۰ دقیقه میجوشانند. بعد دیگ را از اجاق بر میدارند و میگذارند که خامه مدت بیست و چهار ساعت در محلول باقی بماند. بعداً خامه را بیرون میآورند و میشویند. در این صورت رنگ قهوه‌ئی حاصل میشود. چنانچه بخواهند که همین رنگ قهوه‌ئی بسرخ تمایل پیدا کند باید مجدداً در محلول زاغ بمدت ده دقیقه تا یک ساعت قرار داده شود.

مشکی :

برای هر یک من خامه ۳۰ مثقال رنگ مشکی و یک کیلو نمک را با آب در دیگ ریخته میجوشانند و میگذارند که سفید شود. بعد خامه را در این دیگ میگذارند تا جوش بخورد پس از رنگ شدن خامه آن را در آب نیم گرم قرار میدهند و با پا میکوبند تا بدینوسیله «آبخور» شود بعداً برای هر یک من خامه ۱۰ مثقال جوهر آبی و ۳ سیر نمک را با آب مخلوط کرده و مجدداً میجوشانند و بعد از ۲۴ سال در حال نیم جوش خامه را بیرون میآورند و توی آفتاب پهن میکنند تا خشک شود.

سرمه‌ای :

برای تهیه رنگ سرمه‌ای، آب نیم گرم را با ۲۰ مثقال گرد ۱۰ مثقال سوند، ۲۰ مثقال نیل و ۱۰ مثقال «دوبه» در دیگی ریخته مخلوط میکنند. بعد خامه‌ها را در آن دیگ قرار میدهند. پس از رنگ شدن خامه‌ها آنها را از دیگ بیرون میآورند. چنانچه بخواهند آبی سیرتری داشته باشد، آب را در دیگ جوش میآورند و با ۵ سیر «پشوه» محلولی به رنگ سرمه‌ای میسازند خامه را در آن محلول میگذارند و با پای میکوبند تا تماله‌ها بریزد و بعد از پاتیل بیرون میآورند و با آب نیم چهار دفعه شستشو میدهند و در آفتاب خشک میکنند.

طلایی :

تهیه رنگ طلایی باین صورت است که یک من خامه و نیم من پوست انار را توی دیگ ریخته میجوشانند بعداً خامه را با آب تمیز شسته و برای هر یک من ۲ مثقال «زرد» با آن اضافه میکنند و بعد از نیم تا یکساعت خامه رنگ شده را

بیرون میآورند و در آفتاب پهن میکنند.

کرم :

برای تهیه رنگ کرم، ۲ من برگ مو و یک من زاغ را با آب در دیگ میجوشانند و بعد یک من خامه در آن قرار میدهند و بعد از صاف کردن آب دیگ مجدداً خامه در آن قرار میدهند و با افزودن برگ زاغ بعد از یکساعت خامه را بیرون میآورند و پهن میکنند که خشک شود.

خاکی :

از برگ مو و آب زاغ محلولی میسازند که معادل دو برابر آن محلول آب صاف بآن میافزایند و خامه را با آن میجوشانند. بعد از صاف کردن خامه آنرا در دیگ آب میگذارند و نیم مثقال جوهر مشکی و نیم مثقال جوهر گلی را با هم مخلوط کرده و به دیگ میافزایند، بعد از ۲ ساعت خامه رنگ شده را بیرون میآورند و در آفتاب می‌آویزند که خشک شود.

الماسی کم رنگ :

۲ مثقال جوهر مشکی را در ظرف کوچکی با آب میجوشانند و بعداً آنرا در دیگ با آب صاف مخلوط میکنند. و ۴ کیلو نمک بآن میافزایند و خامه را در محلول میگذارند بعد از ۲ الی ۴ ساعت خامه رنگ شده را بیرون میآورند و خشک میکنند.

الماسی پر رنگ :

تهیه آن کاملاً شبیه الماسی کم رنگ است با این تفاوت که برای هر یک من خامه ۱۰ مثقال جوهر مشکی استعمال میکنند.

چنانکه قبلاً اشاره شد طی سالهای اخیر رنگ آمیزی با مواد شیمیائی معمول شده است و اکنون مدتی میگذرد که رنگرزان محلی بدون مشتری مانده‌اند و اساساً رنگ آمیزی در ده معمول نیست و بافندگان از خامه‌هایی استفاده میکنند که در کارخانه کاموای کاشان رنگ آمیزی شده است.

نقوش و طرحهای گوناگون که بر قالیچه‌های ابوزید آباد بافته میشود.

ترنج محراب :

ترنج محراب یکی از نقشهای تزئینی قدیمی قالیبافی در کاشان است که از جمله در ابوزید آباد نیز بافته میشود.

نقش تریج در وسط متن قالیچه جای دارد و در چهار گوشه آن چهار نقش «لچک» که معمولاً هر يك از آنها به اندازه يك چهارم تریج است با کمی تغییر بافته میشود.

بند اسلیمی:

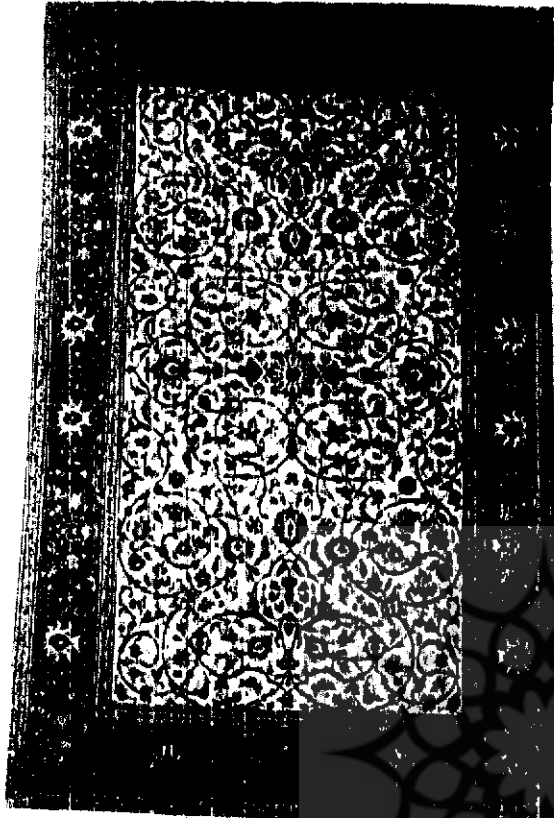
مشخصه عمده نقش بند اسلیمی این است که زمینه قالیچه با شاخ و برگها و گلهای فراوان و با نقوش اسلیمی پوشیده میشود.

شاه عباسی:

در اساس همان نقش اسلیمی است که نگاره‌های خاص زمان شاه عباس نیز بدان افزوده شده است. در این نقش گلهای درشت با شاخ و برگهای ظریف و گلهای ختائی گرد، پیچک، سه برگی، اناری، و برگی زینت بخش قالی اند.

هفت رنگ شاه عباسی:

قالیچه‌های نقش هفت رنگ شاه عباسی معمولاً با هفت رنگ خامه بافته میشود و تمام نقش متن این قالیچه‌ها گل و بوته است و حاشیه‌ها با نقشهای اسلیمی پوشیده شده است.

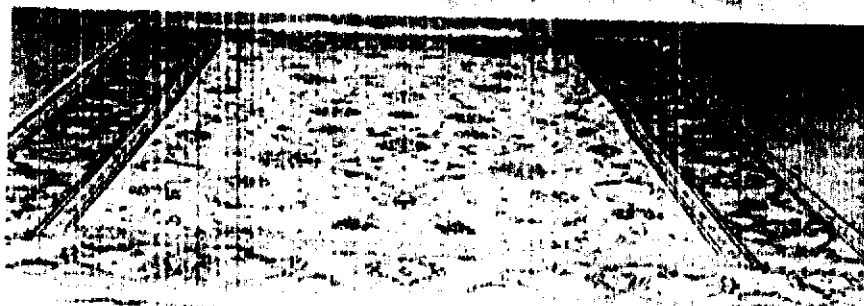


نقش شاه عباس

Motif de l'époque de Šâh Abbâs.

نقش تریج محراب

Motif du "Toranj-e Mehrâb".

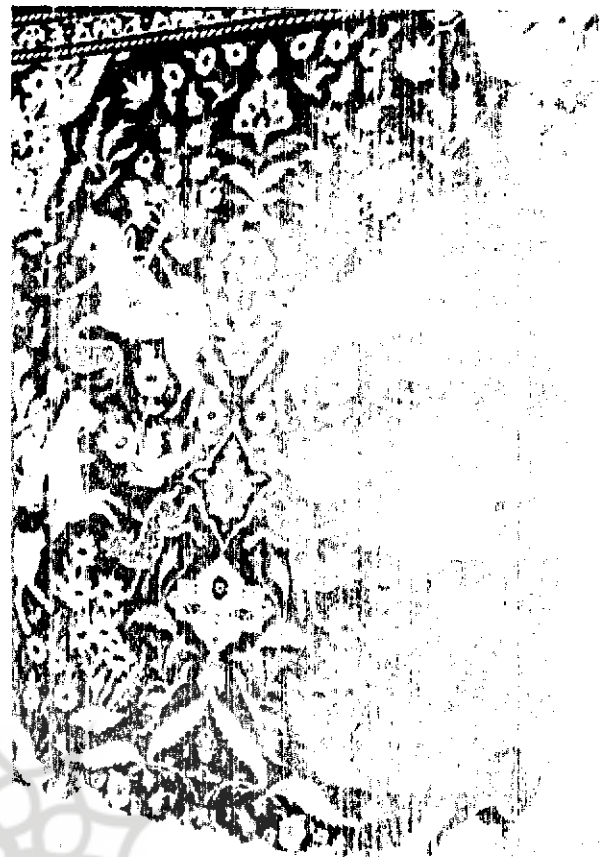


نقش هفت رنگ شاه عباس

Motif du "Haft rang" (de l'époque) de Šâh Abbâs.

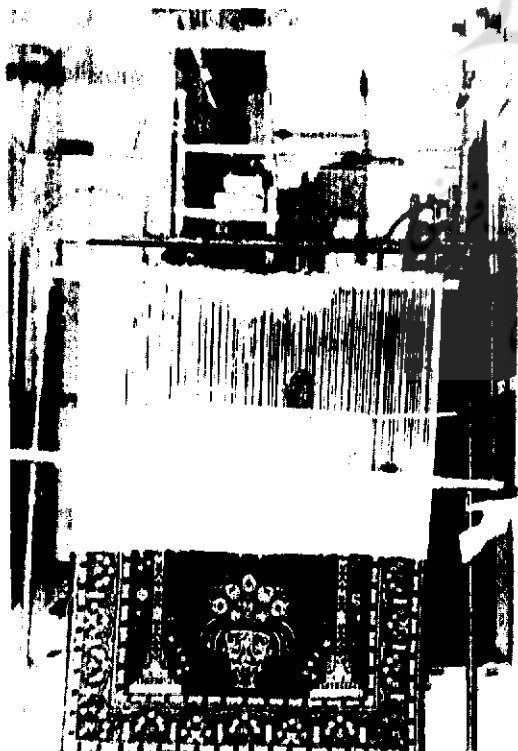


نقش شکارگاه درختی
Motif d'une "chasse" boisée.



نقش شکارگاه درختی
Motif d'une "chasse" boisée.

نقش ستونی
Motif de "colonnes".



شکارگاه درختی

مناظر نقشهای حیرانانگیز و آهرو و گرز و مناظری از شکارگاههای ایران باسواری چابک که براسمی سوار است و بدنبال شکار و شکارچی با آنهمه مناظر زیبا و دلپذیر که با دقتی خاصی بر این قالیچهها نقش بسته است.

ستونی:

نقشهای ریزگل بر چهارکناره قالیچه بافته میشود و زمینه قالیچه ساده و عموماً برنگهای آبی، لاکه و ندرتاً به رنگی دیگر است. در دو قسمت متن قالیچه و در جهت طول آن دو ستون با پایههای تزئینی که به نقشهای ریز مزین است و در بین این دو ستون گلدانی بزرگ با گل و شاخ و برگهای آراسته نقش شده است.

دورنما:

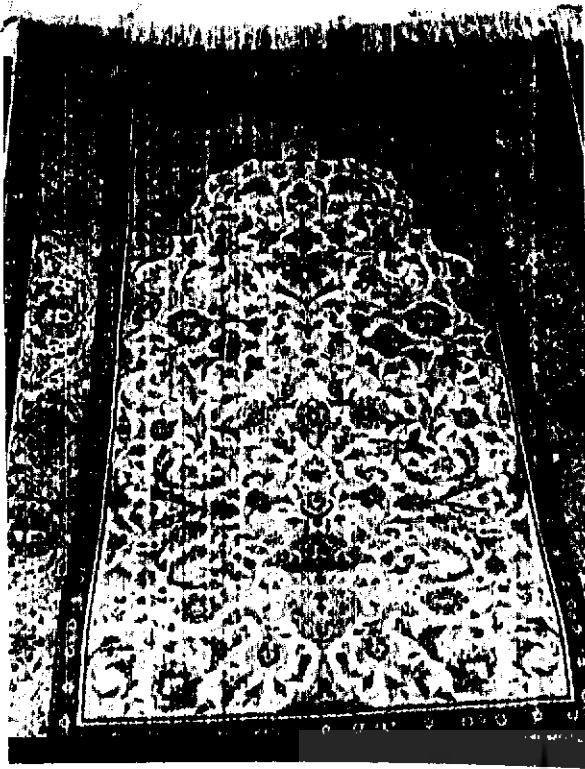
در نقشهای دورنما، معمولاً مناظری از طبیعت با صحنه‌هایی از جمله آنها سواری بر اسب با ابزارهای قدیم و در حال شکار.

صورتی:

این نقش بدان جهت صورتی نام گرفته است که در آن زن زیبایی برقالیچه بافته میشود. چهره‌ها و لباسها نیز از ویژگیهای زمان خيام است و گویا که از مینیاتورهای ایرانی الهام گرفته شده است.

گلدانی محرابی:

در این نقش، اشکالی با نقوش اسلیمی و گل‌های شاه‌عباسی پیرامون گلدان بزرگی را احاطه میکنند که از بالا به محرابی منتهی میشوند.

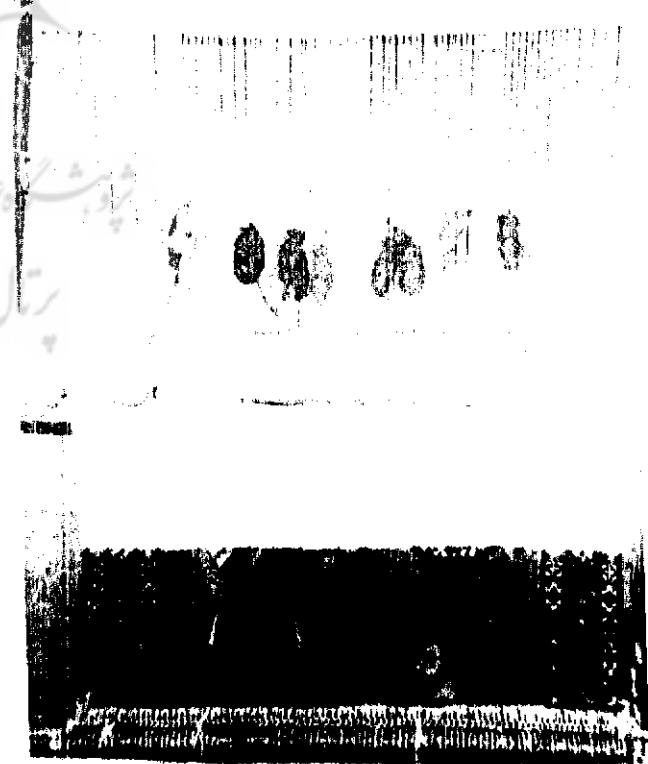


نقش گلدانی محرابی
Motif des vases "Mehrabi".

نقش دورنما
Motif d'une vue.



نقش صورتی
Motif de "figures"

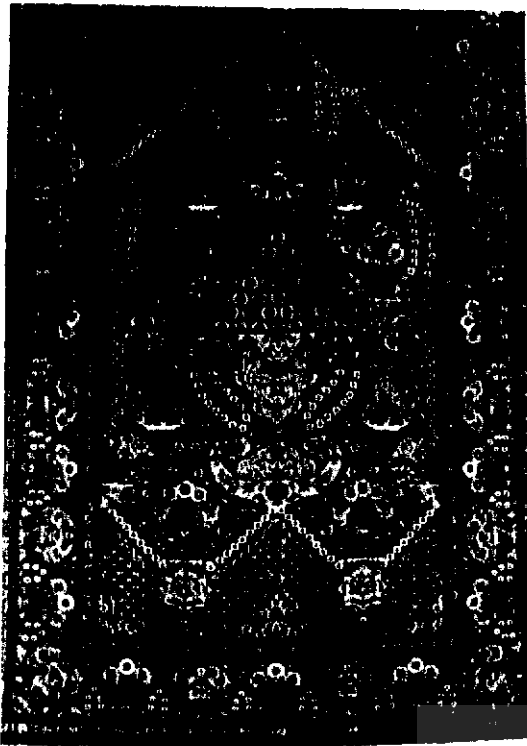


حاجی خانمی:

نقوشی از گلدانهای کوچک و بک گلدان بزرگ با دسته گل در وسط قالبچه را پر میکنند.

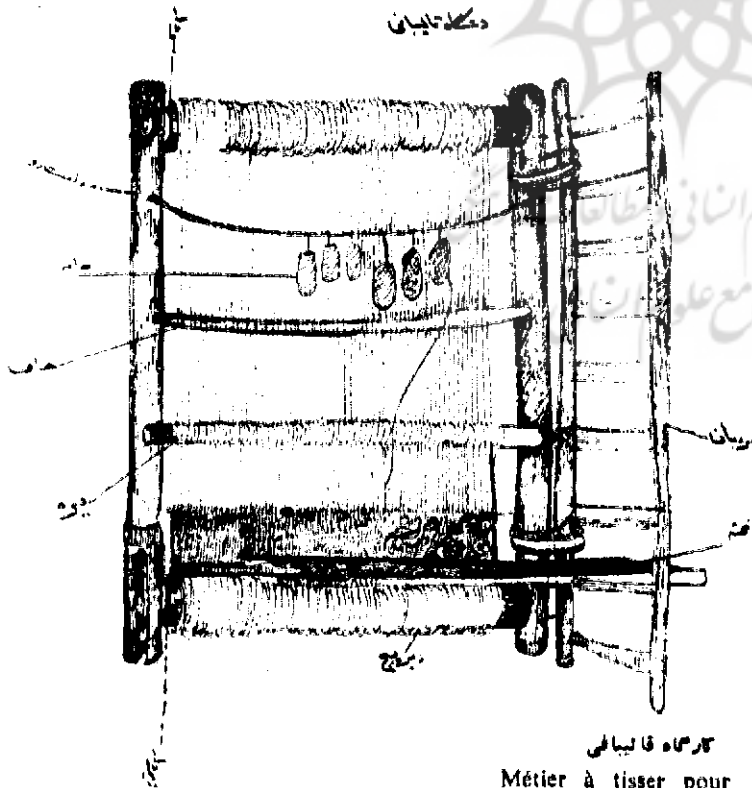
دستگاههای قالبیافی

دستگاه قالبیافی شامل اسکلت چوبی مستطیل شکلی است که به نحو عمود بر کف اتاق یا ایوان قرار میگیرد. تیر بالائی «سردار» *Sardâr* پائینی «زیردار» *Zirdâr* نامیده میشود که دوسرشان از دوسو درشکاف دو چوب قائم بنامهای «راسترو» *Rastro* و «چپرو» *Čapro* فرو میروند. انتهای زیرین تارهای قالبچه تحت بافت به تیرپائین پیچیده است که «زیرتاب» *Zirtab* نامیده میشود. ولی تارها را «چله» *Čelle* مینامند که از نخ پنبه است. انتهای بالای «چلهها» به تیر بالائی گره زده میشود. برای آنکه چلهها شل نباشند و خوب کشیده شوند لازم است که وضع «سردار» «زیردار» حتی المقدور از هم فاصله بیشتر داشته باشند. برای کنترل این وضع در دوست تیر «زیردار» که در شکاف «راسترو» «چپرو» فرو رفته است، دو «گوه» *gove* کار میگذارند تا هر قدر که «گوهها» را بیشتر در شکاف فرو کنند «زیردار» نیز بیشتر به پائین رود و در نتیجه چلهها را محکم تر کند. در دو طرف دستگاه قالبیافی و از سمتی



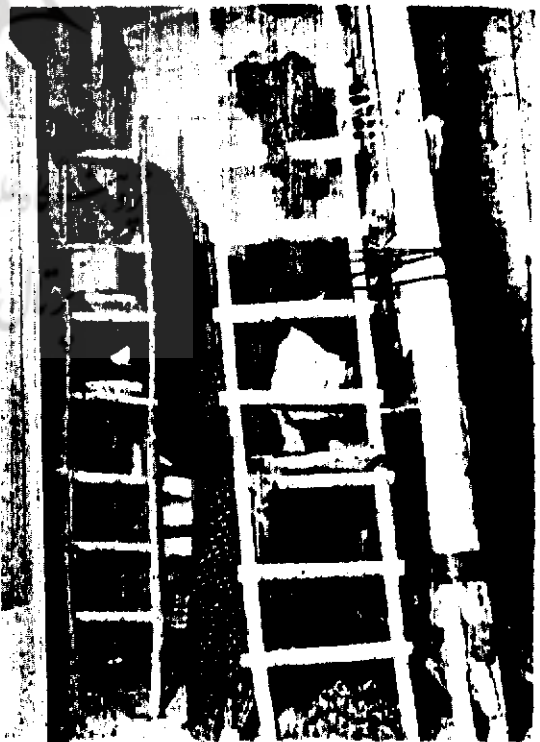
نقش حاجی خانمی
Motif de "Hâje Xânumi".

دستگاه قالبیافی



کارخانه قالبیافی

Métier à tisser pour apis.



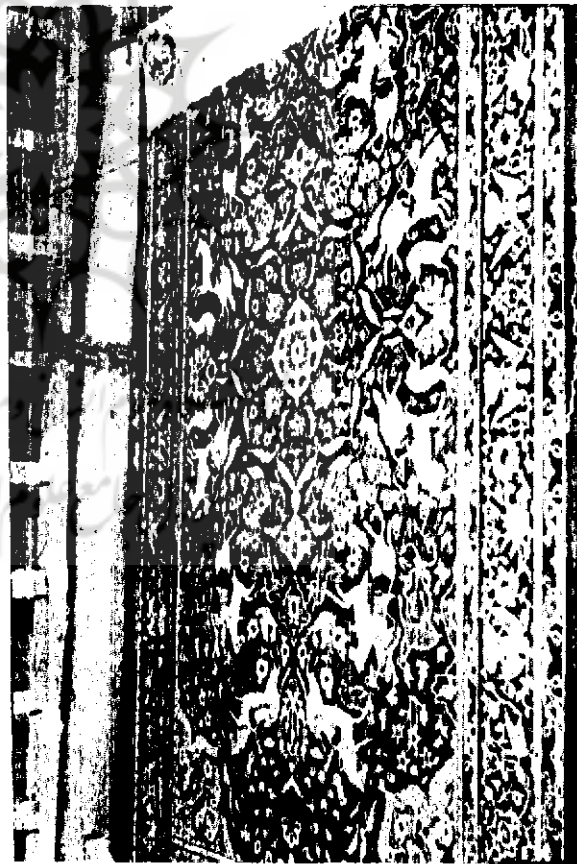
«شیوه بافتن»

هر قالیچه‌ای از مجموعه صدها هزار «ریشه *Rise*» رنگی از نخ کرک یا پشم بافته میشود هر ریشه در يك «رج *Rag*» بردو «تار *Târ*» از «چله» بصورت «فارسی باف» بسته میشود. بنابراین در يك «رج» مینوان در حدود پانصد ریشه بکار برد. البته هر قدر که عرض قالیچه بیشتر و بافت آن ریزتر باشد این ریشه‌ها بیشتر است. چنانکه ممکن است قالیچه ریز بافت با عرض يك متر و سی سانتیمتر هشتصد «ریشه» در هر رج داشته باشد.

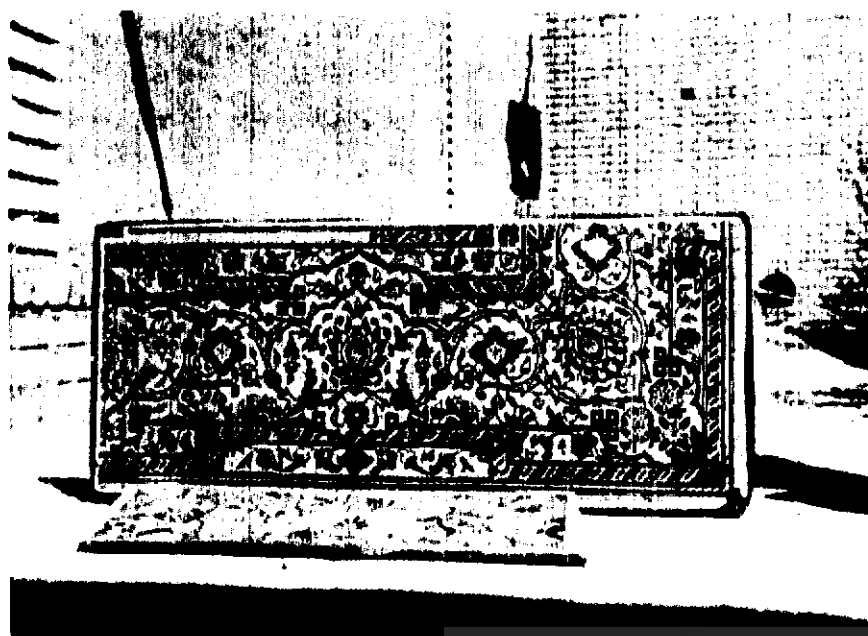
«فارسی باف» نوعی ریشه زنی است که در آن نخ‌های باید به تارها ریشه شود از کنار يك تار به کمک سر انگشتان به عقب برده میشود و از فاصله دوتار به جلو می‌آید و به دور تار دوم پیچیده میشود و دوباره از میان دوتار سر بیرون می‌آورد و با کارد قطع میشود (شکل شماره ۳) قالی گاه از چپ بر است و

که باید قالی بافته شود و نردبان کوچک چوبی کار می‌گذارند تا با تخته‌ای که باید به پله‌های این نردبان‌ها تکیه کند نشیمنگاهی برای قالی باف یا قالی بافان ساخته شود. این نشیمنگاه قابل انتقال به پله‌های بالاتر نردبان‌ها است و در نتیجه تدریجاً که قالی بیشتر بافته شود قالی بافان می‌توانند در وضع بالاتری قرار بگیرند و قالی بافی را آلی آخر دنبال کنند.

این دستگاهها در کاشان و بتوسط نجارها ساخته میشود. قیمت هر دستگاه ۲۵۰ تومان است و نصب دستگاه و «چله دوانی» بتوسط «چله دوان» انجام می‌گیرد. چله دوان‌ها مردانی هستند که تبحر و ورزیدگی کافی دارند و در ابو زید آباد جمعاً به ۱۰ نفر میرسند. مزد «چله دوانی» در مقایسه با مزد قالی باف چند برابر است و به ۸ تا ۹ تومان در روز بالغ میشود. «چله دوان» روزی راکه در خانه‌ئی «چله دوانی» میکند همانجا برای نهار مهمان خواهد شد.



قالیچه‌های نیمه‌تمام با کره‌های فارسی
Petit tapis inachevé à noeuds "fârsi",



نقشه قالی
Un modèle pour tapis.



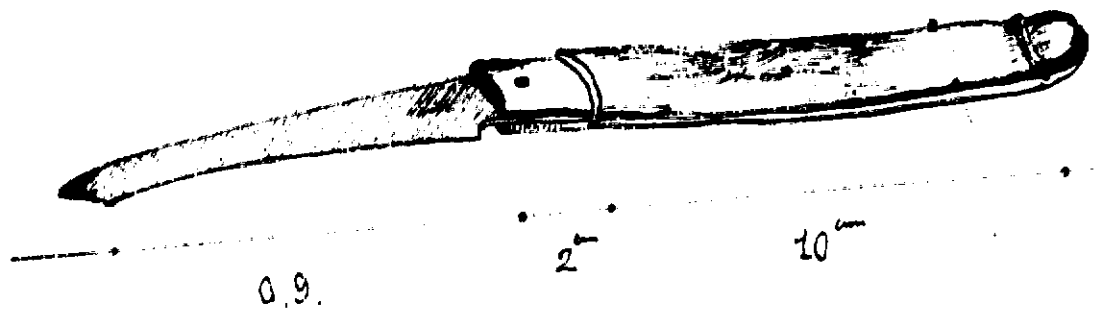
قالی با نقش ترفنج محراب
Tapis avec le motif du "Toranj-e Mehrab".

گاهی از راست به چپ و با تقلید از نقشه‌ای که در مقابل بافندگان قرار دارد بافته میشود پس از تمام شدن ریشه‌زنی هر «رج» نخ «پود» *Pud* را از خلال دو ردیف تار بر روی آن رج میگذرانند و به کمک چوبی که در چله قرار دارد وضع آن دو ردیف تار را نسبت بهم تغییر میدهند و باری دیگر رج تازه‌ئی را برای ریشه زنی آماده میکنند.

«ابزار قالی بافی»

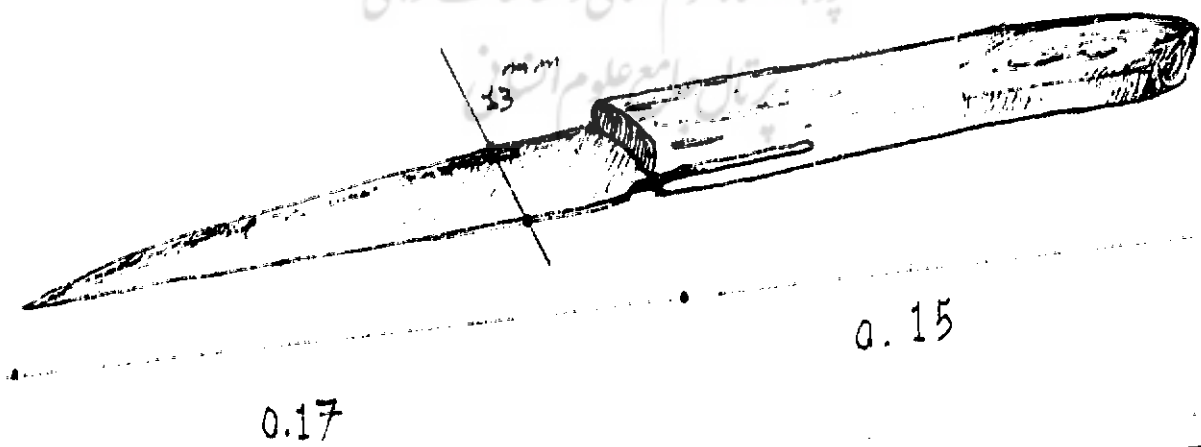
هر ریشه‌را چنانکه اشاره شد با کارد قطع میکنند. کارها معمولاً چند اندازه مختلف دارند (شکل و طرح شماره ۴) ولی هر یک شامل دسته چوبی و لبه تیغه‌ئی آهنی است. یک وسیله دیگر قالی بافی «شانه» *Šane* است که آنرا شانه «پود» *pud* مینامند. طرح و تصویر شماره ۵ و بعد از تمام کردن ریشه زنی یک رج با آن روی رج پرتوده را میکوبند.

یکی دیگر از ابزارهای قالی بافی «مقراض» *Meqráz* است که با آن پس ریشه بافی یک یا چند رج، سرریشه‌ها را میچینند. مقراض شبیه قیچی معمولی است با این تفاوت که در پشت یکی از تیغه‌های مقراض برجستگی باریکی از آهن پوش داده‌اند، تا تمام سرریشه‌ها در همه رج‌ها یکسان قیچی شود. «شکل شماره ۶»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

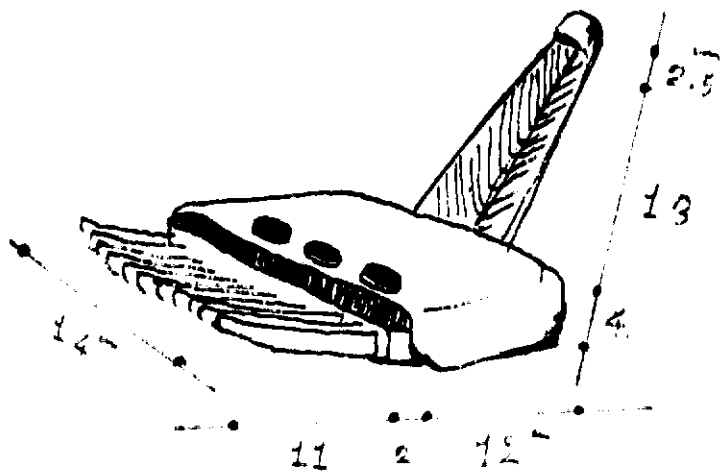
موسسه باستانشناسی



طرح ۴ و ۵ - ابزار قالیبافی

Fig. 4 et 5.

Instruments utilisés dans le tissage des tapis.



طرح و سازه و تهیه برای قالیبافی

Fig. 6

Peigne et ciseaux utilisés dans le tissage des tapis.



25



دستمزد و ساعت کار

میزان دستمزد کارگرها بستگی کامل به استعداد، هوش، رنگی، و ظرافت آنها دارد. کمترین دستمزد به خرید سالان پرداخته میشود. خصوصاً وقتی که هنوز در حال فرا گرفتن قالی بافی از افراد باتجربه خانواده اند. به خرید سالان تا دو ماه اول، روزانه مبلغ ۲۰ ریال و بعد از شش ماه ۵۰ ریال و از ماه نهم ۷۰ ریال و بعد از یکسال ۱۰۰ ریال میپردازند. معمولاً سال دوم تا مبلغ ۱۵۰ ریال پرداخت میکنند و از سال دوم بعد دستمزدها متفاوت میشود و به ظرافت و سرعت کار هر کارگر ارتباط کامل دارد. چنانکه گاهی دستمزد یک کارگر در روز به ۲۵ تومان هم ارتقاء پیدا میکند.

دختر بچه‌ها روزی سه‌الی چهار ساعت بیشتر کار نمیکنند و این دختران در سالهای اول فقط زمینهای قالی را که اصطلاحاً «چاله» نامیده میشود، پر میکنند و برای هر نصف یا یک «چاله» برشده مبلغ ۱۰ تا ۱۵ ریال دریافت میکنند. نحوه پرداخت دستمزدها در این روستا از نظم و ترتیب خاصی برخوردار است، بعضی از صاحبان کارگاهها که زندگی مرفه‌تری دارند و برای جلب کارگران قبل از شروع کار مبلغ ۵۰ تا ۱۵۰ تومان بعنوان مساعده به آنان پرداخت میکنند که بعداً این مبلغ را از دستمزدها کسر میکنند. عده‌ای هم بعد از ساعات کار در غروب هر روز و یا در آخرین روز هفته دستمزد کارگرانشان را میپردازند.

قالی بافان این روستا به غیر از مواقع مهمان داری، ایام سوگواری، یکماه قبل از وضع حمل، هنگام عزاداری و بعضی از جشنها بقیه اوقات را به قالی بافی مشغول میباشند.

ساعات کار در روز از طلوع تا غروب آفتاب است با یکساعت وقت برای صرف ناهار در حوالی ظهر. قیمت مواد و مخارج لازم دیگر برای یک جفت قالیچه و هر یک بطول و عرض $۲/۲۰ \times ۱/۴۰$ متر بشرح زیر خلاصه میشود:

۲۰ کیلو خامه به قیمت تقریبی ۲۰۰۰ تومان، چهار کیلو چله ۸۰ تومان، یک کیلو و نیم بود باریک ۳۰ تومان، ۳ کیلو بود کلفت ۶۰ تومان، اجرت چله دوانی حداقل ۵۰ تومان و خرید نقشه به مبلغ ۲۰۰ تومان. این مخارج معمولاً به ۲۴۲۰۰ تومان میرسد.

وضع مزد کارگران قالی باف در این روستا دو صورت دارد: صورت اول عده معدودی که برای کار تمام روز مبلغ ۱۵ تا ۲۰ تومان و گاهی ۲۵ تومان دریافت میکنند. در صورتیکه میانگین مزد این دسته از کارگران را در روز ۲۰ تومان در نظر بگیریم، برای بافتن یک تخته قالیچه که دارای ۳۲ گره و

هر گره ۴۰ رج و هر رج ۸۰۰ ریشه است، یعنی برای ۱۲۸۰ رج، $(۳۲ \times ۴۰ = ۱۲۸۰)$ مدت ۱۲۸۰ ساعت وقت لازم دارد. در صورتیکه برای کار هر روز ۵ ساعت در نظر بگیریم $(۱۲۸۰ \div ۱۰ = ۱۲۸)$ مدت لازم برای بافتن یک تخته قالیچه ۱۲۸ روز خواهد شد و در نتیجه مزد کارگر برای بافتن یک تخته قالیچه به ۲۵۶۰۰ تومان بالغ میشود $(۲۵۶۰ = ۱۲۸ \times ۲۰)$ که در یک جفت قالیچه ۵۱۲۰ تومان است.

این خرج با افزایش قیمت مواد و مخارجی که قبلاً محسوب شده بود (۲۴۲۰۰) تومان به ۷۵۴۰۰ تومان بالغ میشود $(۷۵۴۰ = ۲۴۲۰ + ۵۱۲۰)$. با توجه به فروش یک جفت قالیچه به قیمت متوسط ۱۳۰۰۰۰ تومان، سود حاصله برای صاحب کار ۵۴۶۰۰ تومان در هر جفت قالیچه است. $(۱۳۰۰۰۰ - ۷۵۴۰۰ = ۵۴۶۰۰)$

در صورت دوم، به کارگران بافنده بطور قراردادی از بابت هر رج که بافتن آن بمدت یکساعت طول میکشد مبلغ ۲۵ ریال پرداخت میشود.

برای یک تخته قالیچه که دارای ۱۲۸۰ رج و شامل $۱/۰۲۴/۰۰۰$ ریشه است، ۱۲۸۰ ساعت وقت برای یک کارگر با کار متعارف نیاز می‌افتد. در این صورت برای اجرت بافتن یک تخته قالیچه ۳۲۰۰ تومان پرداخت میشود.

$(۳۲۰۰ = ۱۲۸۰ \times ۲۵)$ که در یک جفت قالیچه این مبلغ به ۶۴۰۰ تومان میرسد. چنانچه قیمت مواد اولیه و مخارج قبلاً محسوب شده در یک جفت قالیچه را که بالغ بر ۲۴۲۰۰ تومان بود به مبلغ فوق بیافزائیم بهای تمام شده یک جفت قالیچه به ۸۸۲۰۰ تومان بالغ میشود. در این صورت استفاده خالص صاحب کار در هر جفت قالیچه با مزد متعارف آن به مبلغ ۱۳۰۰۰۰ تومان بالغ بر $۴۱۸۰۰/۰$ تومان است. $(۱۳۰۰۰۰ - ۸۸۲۰۰ = ۴۱۸۰۰)$.

خرید و فروش:

قالیچه‌های بافته شده اهو زید آباد بیشتر در کاشان و بتوسط تجار و دلان کاشانی و ندرتا به توسط مغازه داران صاحب سرمایه اهو زید آبادی خریداری میشود.

قالیچه‌های این روستا که اکثراً ابعادی بطول و عرض $۲/۲۰ \times ۱/۴۰$ متر و گاهی هم ۱×۱ متر دارند در هر گره دارای ۴۰ رج و هر رج دارای ۸۰۰ ریشه‌اند. چنین قالیچه‌هایی را درجه یک میشناسند و هر جفت را بین ۱۳۰۰۰ تا ۱۶۰۰۰ تومان خرید و فروش میکنند. در صورتیکه قالیچه‌های درجه دو در هر گره ۳۴ رج و در هر رج ۶۰۰ ریشه دارند، و بهای هر جفت آنها ۱۱۰۰۰ تا ۱۳۰۰۰ تومان است

قالیچه‌های درجه سه در يك گره ۳۰ رج و در هر رج ۴۰۰ ریشه دارند و هر جفت از ۹۰۰۰ تا ۱۱۰۰۰ تومان بفروش میرسند.

قالیچه‌هایی با نقش ترنج محراب بخاطر ظرافت، رنگ، نقش، زیبایی، قدمت و اصالت آن نسبت به نقش‌های دیگر بیشتر و بهتر بفروش میرسند. در مرحله دوم قالیچه‌هایی با نقش شاه عباسی، زمینه کرم یا سرمه‌ای پرفروش‌ترین قالیچه‌ها هستند و بالاخره قالیچه‌هایی با نقش درختی و زمینه کرم یا خاکی در مرحله بعدی قرار دارند.

قالیچه‌ها از دست تولیدکنندگان بوزیدآبادی به صورت‌های زیر فروخته میشود:

۱- فروشندگان عمدتاً قالیچه‌ها را به کاشان میبرند. وبه تجارتخانه‌های قالی فروش عرضه میدارند. ممکن است تاجر قالی، بلافاصله بهای قالیچه را به تولیدکننده بپردازد. در این حال مبالغی در حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان از بابت بهره پولی که پرداخت میشود از بهای قالیچه‌ها کسر خواهد شد.

این حالت وقتی است که تاجر قالی واسطه فروش بین تولیدکننده و خریدار است. ولی حالتی نیز وجود دارد که در آن تاجر قالی مستقیماً قالیچه‌ها را از تولیدکننده میخرد و خود مسئول سود و زیان و نوسانات آنی بازار میشود در این حالت، تاجران فرش، قالیچه‌ها را با اندازه گیری به واحد زرع (۱۰۸ سانتیمتر) به ازاء متر میخرند ولی در فروش آنها همان واحد متر را منظور میدارند و از این بابت مقادیری علاوه بر سود متعارف نفع میبرند. این سود در يك جفت قالیچه که مجموعاً در حدود ۱۶/۶ متر مربع مساحت دارد، معادل بهای نیم متر مربع قالیچه است که به مبلغی در حدود هزار و دویست تومان بالغ میشود. گاهی نیز ممکن است که تاجر قالی بدون پرداخت بهای قالیچه‌ها، آنها را در مغازه حفظ کرده و پس از فروش آنها، بهای آنها را با کسر کردن استفاده‌ای که برای خود منظور میکند به تولیدکننده بپردازد. این استفاده برای مدت سه‌ماه از بابت هر هزار تومان ۵۰ تومان و بهمین حساب برای شش‌ماه از بابت هر هزار تومان ۱۰۰ تومان منظور میشود.

۲- صرفنظر از این شکل، وضع دیگری نیز وجود دارد، افرادی هستند که در نقش دلالت قالی و در داخل ده قالیچه‌ها را میخرند. این اشخاص عمدتاً دکانداران بوزیدآبادی هستند. کسانی که به آنها قالیچه میفروشند از جمله، خانواده‌های کم درآمد دهکده‌اند، که توانائی تهیه مواد اولیه را ندارند و یا اگر اندکی توانائی داشته باشند، مجبورند طی مدت قالی‌بافی برای امرار معاش روزانه خانواده‌شان از مغازه‌داران اجناس مورد احتیاجشان را بصورت نسبه خریداری نمایند. مغازه‌دار

محل تمام اجناس مورد احتیاج این خانواده را باقیمت بیشتری در اختیارشان قرار میدهد، و مترصد تمام شدن و پائین آمدن قالیچه از دستگاه میباشد تا آن قالیچه‌ها را در ازاء اشیائی که نسبه فروخته است معامله کند. چون این خانواده‌های کم‌درآمد تقریباً همیشه مقروض و محتاج پول میباشند تا بتوانند امرار معاش کنند، ناچار قالیچه‌های خود را بلافاصله بعد از بافتن با قیمت کمتری به مغازه‌دار محل میفروشند تا بتوانند در آینده مجدداً از همان مغازه‌دار اجناس مورد احتیاج خودشان را بصورت نسبه دریافت کنند. مغازه‌دار علاوه بر استفاده از اجناسی که بصورت نسبه و البته به بهائی گرانتر از معمول میفروشند، از بابت خرید فروش قالیچه‌ها نیز سود جداگانه‌ئی عایدش میشود. قشرها و گروههای اجتماعی در ارتباط با تولید و فروش

قالی:

نظر به اینکه معیشت عمده بوزیدآبادیها مبتنی بر تولید و فروش قالیچه‌هاست، به این لحاظ قشرها و گروههای اجتماعی در ده بنا به وضعی که در مقابل آن دارند شکل بندی میشوند. در جریان تولید و فروش قالیچه‌های بوزیدآبادی بنا به آنچه که تاکنون توصیف شد میتوان بطور خلاصه این قشرهای اجتماعی را تشخیص داد:

۱- تولیدکنندگانی که صاحب کارگاه‌اند.

۲- تولیدکنندگانی که بصورت روزمزد یا قراردادی کار میکنند. در بین کارگران قراردادی عمده قلیلی که از تخصص و تجربه فوق العاده‌ئی بهره‌مندند و بعنوان چله‌دوان شناخته میشوند حقوق و مزایائی بیشتر از کارگران ساده دارند.

۳- سرمایه‌گذارانی که مواد و وسایل ضروری قالی‌بافی را در اختیار تولیدکنندگان میگذارند و حاصل کار آنان خود به فروش میرسانند.

۴- دکانداران ده که فروشنده اشیاء مورد نیاز زندگی روزمره بوزیدآبادیها و واسطه خرید قالیچه‌های آنها هستند.

۵- تجار کاشانی که با مستقیماً از خود تولیدکنندگان و با از دکانداران ده قالیچه‌ها را میخرند.

غیر از تجار کاشی که خارج از جامعه روستای سرمه‌میرند، بقیه قشرهای فوق‌الذکر ترکیب بندی اجتماعی ده را شکل می‌بخشند. مقولاتی که پس از این از آنها صحبت خواهد شد و خصوصاً وضع خانواده‌ها و تغییراتی که در رفتارهای سنتی آنان حادث شده بنابراینکه مربوط به کدامیک از قشرهای فوق باشند شکل ویژه خود را باز می‌یابند.

روند تغییرات در شیون معنوی

با تغییر مبانی معیشت و عمده شدن قالی‌بافی در مجموعه

فعالیت‌های تولیدی ابرو زیدآباد و نظر به اینکه کشاورزی و دامداری در مقایسه با قالی‌بافی طی سالهای اخیر اهمیت خود را از دست داده و نسبت به قالی‌بافی وضع و موقعی فرعی یافته‌اند در بسیاری از شئون معنوی این جامعه روستائی نیز تغییراتی حادث شده است. این تغییرات چه در سطح ده و چه در درون خانواده چشمگیر و قابل تشخیص و تحلیل هستند. ولی در مقاله حاضر فقط برای دو بخش از این تغییرات توضیحاتی داده میشود.

۱- تغییر در شئون ازدواج

چنانکه توضیح داده شد، دختران و زنان عمده‌ترین نیروی کار در قالی‌بافی‌اند، بنابراین خانواده‌های دارای دختر سعی میکنند که حتی المقدور دخترانشان را چند سال دیرتر به خانه شوهر روانه کنند تا امکان بهره‌برداری از نیروی کار آنان بیشتر باشد و مثلاً چند جفت قالیچه بیشتر بوسیله دختر بافته شود. در مقابل، خانواده‌هایی نیز که میخواهند برای پسرانشان زن بگیرند، سعی دارند که هرچه زودتر از دختر خواستگاری کنند تا بتوانند هرچه بیشتر از کار او در خانه شوهر بهره‌برداری شود. این ماجرا باعث میشود که خانواده دارای دختر از خواستگاران انتظارات بیشتری داشته باشند و حتی المقدور به بهانه‌هایی ازدواج دخترشان را به تأخیر بیندازند. از سوی دیگر، خانواده داماد با تمهیداتی نظیر ساختن خانه جدید، خریدن وسایل جدید خانه، خانواده دختر را به ازدواج دخترشان تحریک میکنند. آنها ظاهراً به خانواده دختر نوید میدهند که دختر آنان بلافاصله بعد از ازدواج بسا پسرشان، زندگی مستقلی را شروع خواهد کرد. در حالیکه عملاً سعی دارند بعد آوردن دختر به خانه خود، آماده شدن خانه مستقل و جدید را حتی المقدور به بهانه‌هایی به تأخیر بیندازند تا عروسشان چند صباهی بیشتر برای آنان قالیچه ببافد. نظر به اینکه وضع و موقع اجتماعی دختران با تولید و قیمت قالی‌راپطه مستقیمی دارد، به این لحاظ، میزان مهریه‌ها با بالا رفتن قیمت قالی در بازار بیشتر میشود. طی سالهای اخیر میزان مهریه‌ها تا چند برابر افزایش یافته است و حتی برای دخترانی که در قالی‌بافی مهارت و سرعت بیشتری دارند، این افزایش چه از نظر تعداد خواستگار و چه از نظر میزان مهریه، رجحان بیشتری را نشان میدهد. البته میزان مهریه رابطه مستقیم خود را با تشریف‌بندی اجتماعی حفظ کرده است. چنانکه در خانواده‌هایی از تشریک‌کارگران روزمزد و قراردادی مهریه‌ها از ۱۰ تا ۲۰ هزار تومان در نوسان است. در حالیکه برای خانواده‌هایی که صاحب دستگاه قالی‌بافی‌اند این میزان از ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان و

برای خانواده‌هایی از قشرهای دکاندار و کسانانی که مواد اولیه در اختیار بافندگان میگذارند، این میزان از ۴۰ تا ۶۰ هزار و گاهی ۷۰ هزار تومان در نوسان است.

۲- تغییرات در روابط درونی خانواده‌ها و روند تغییر در توزیع کار:

در روابط بین زن و شوهر و کودکان بعد از رشد قالی‌بافی تغییرات مهمی بوجود آمده است. زنان تا سالهای اخیر به امور گوناگون خانه‌داری و اندکی نیز در کارهای کشاورزی و دامداری (شیردوشی ماست‌بندی) میپرداختند و فعالیت‌هایشان پراکنده بود. ولی با رشد تدریجی تولید قالی فعالیت آنان در امر قالی‌بافی که مهمترین منبع اقتصادی خانواده است متمرکز شد و نقش آنان بصورت اصلی‌ترین عامل کار بروز کرد. در نتیجه بسیاری از کارهای گوناگونی که مطابق عرف و سنت در عهده زنان قرار داشت به اعضاء دیگر خانواده محول شد. مثلاً آب آوردن از چشمه که در سنت منحصرأ به عهده زنان و دختران بود و تا چند سال پیش ممکن نبود مردی از چشمه آب بیاورد، اینک به مردان محول شده است چنین صحنه‌ئی در گذشته میتوانست مورد تعجب و نیز استهزاء اهل ده تراز بگیرد. اگر مردی احیاناً از چشمه آب می‌آورد این کار بر غرور و اقتداری که از او انتظار میرفت لطمه فاحشی وارد می‌آورد. ولی طی سالهای اخیر مردان خسانواده‌ها تدریجاً دریافته‌اند که باید برای تسریع در قالی‌بافی و جلوگیری از کنار آمدن زنان از پشت دستگاه قالی‌بافی، وظیفه آب آوردن از چشمه را به عهده بگیرند. البته شکسته شدن این سنت یکباره و دفعتاً صورت نگرفت. مردانی بودند که ابتدا برای پرهیز از انظار دیگران با استفاده از تاریکی شب از چشمه آب می‌آوردند. ولی بدفعات اتفاق می‌افتاد که این مردان چه در چشمه و چه در کوچه با هم تلاقی میکردند و شرمسارانه از هم می‌گذشتند. تدریجاً، این وضع نوظهور که قبلاً برای آنان قبیح بود بصورت امری متعارف معمول شد. و اینک کمتر مردانی هستند که هنوز برای آب آوردن از چشمه احساس شرمساری کنند. ولی عادت شبانه رفتن به چشمه حفظ شده است تا همچنین مبادا که با آن عهده از زنان و دختران که هنوز از چشمه آب می‌آوردند برخورد داشته باشند. اما این تنها آب آوردن از چشمه نیست که از زنان به مردان منتقل شده بلکه قسمتهائی از کارهای بچه‌داری نیز به عهده مردان محول شده است. زنانی که تا دیروز برای کودکانشان در کنار گهواره لالائی میخواندند، اینک به قالی‌بافتن مشغولند و این مردانند که همان لالائی‌ها را برای کودک در کنار گهواره میخوانند. چه بسیار مواقع میتوان این صحنه‌ها را دید که مردی کودکی را در آغوش گرفته و پستانک

از شیشه شیر بدهان او گذاشته است و در تشویب آرامش اوست که مبادا گریه و زاری اش مادر را از پشت دستگام قالی بافی کنار بکشد. برخی مادران به تأکید شوهران و برای آنکه بتوانند اوقات بیشتری را به قالی بافی بپردازند، ترجیح می‌دهند که کودکانشان را به شیر غیرمادر و عموماً شیرگاو عادت بدهند. بسیاری از شوهران وظیفه شیردادن به کودک، خوراک دادن به او و نیز حتی پخت و پز خوراک را به‌آزاه قالی بافی زنان پذیرفته‌اند و حتی برخی از آنان در این امور به‌تبحر و تجربه فوق‌العاده‌نی رسیده‌اند. از جمله نان‌پزی نیز که منحصرأ در عهده زنان بود به مشارکت مردان پیش می‌رود. ناگفته نماند که طی سالهای اخیر دو دکان نانوائی در ده به شیوه نانوائی‌های شهری بوجود آمده است تا نان‌پزی را که از جمله امور وقت‌گیر برای زنان خانواده بود یکباره به‌تقلید از شهرها بعهده بگیرد. نان‌پزی از شیوه سنتی ابو زهدآباد، با معاضدت چند زن از همسایه‌ها و یا خویشاوندان پیش‌میرفت. در آن شیوه سنتی میبایستی سه زن با هم و هر یک بخشی از نان‌پزی را انجام بدهند. این شیوه سنتی نمیتوانست در منابلی تقاضای کاری که از زنان در قالی بافی انتظار میرفت مقاومت کند. این کاملاً مقرون به‌صرفه است که زن خانه از کمک به‌زن همسایه در نان پرهیز کند و البته در وقت نان‌پزی خود نیز انتظار کمک از او را نداشته باشد و نان مورد نیاز خانه را با کمک شوهر خود بپزد و یا از دکان نانوائی بخرد. با همه این احوال هنوز مردان خانواده‌ها اقتدار خود را در محیط خانه از دست نداده‌اند. ولی مجبورند که بر شیوه‌های اعمال اقتدار سنتی، شیوه‌های تازه‌نی بیفزایند. شوهر آموخته است

که زن را هم با تهدید و هم با تطمیع به قالی بافی وادارد. اگر ببیند که همسرش در کوچی به گفتگو مشغول است با پرخاشی او را به‌خانه می‌برد. مردان در مناقشات خانوادگی با همسرانشان غالباً سعی میکنند که در وقت کتک کاری احتمالی آسیب و صدمه‌ای به دست‌های کارآور زنانشان نرسانند. مرد خانه میزان بافت قالی را هر روز وارسی و مراقبت میکند. از سوی دیگر شوهر آموخته است که زن خانه این مهم‌ترین عامل تولید قالیچه را هر چند وقت یکبار با هدایائی به‌بافتن بیشتر قالی تشویق کند. این هدایا معمولاً بعد از فروش قالیچه‌ها بصورت پیراهن و چادر، زبورهائی نظیر گردن‌بند و گوشواره و دستبند به‌زن داده میشود. هدیه‌دادن به‌زن نخستین بار بوسیله مردان معدودی برای تشویق زن و تولید بیشتر معمول شد. این مردان در بافته بودند که چند به‌تراست زن را با این زبورها که در واقع نوعی ذخیره ثروت و اندوخته خانوادگی است به‌تولید بیشتر وادار کنند. این تمهید تدریجاً بوسیله مردان تقلید شد بدون آنکه از تهدید و پرخاش که در واقع شیوه‌نی سنتی بود چشم‌پوشی کنند. اینک زنان در مطالبات خود گاهی نیز جلوتر آمده‌اند و خواستارند که در مسافرتها و زیارتها نیز بیشتر شرکت داشته باشند. هم‌اکنون بسیاری از مردان نمیتوانند بدون شرکت زنان به‌زیارت بروند. چون در واقع از فروش قالیچه‌هایی که بدست زنان بافته میشود مخارج خانواده و از جمله مخارج سفر و زیارت فراهم می‌آید. چنانچه مردی زن خود را برای زیارت همراه نبرد، با اعتراض زن که از جمله پرهیز و یاکم کاری در قالی بافی بروز میکند مواجه خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی